

## شاخصه‌های کرسی آزاد اندیشی از منظر قرآن

سید محمد مرتضوی<sup>۱</sup>  
سید جواد خاتمی<sup>۲</sup>  
سیده سمیه خاتمی<sup>۳</sup>

### چکیده

**هدف:** هدف این پژوهش، تعیین ملاک‌ها و شاخصه‌های کرسی آزاد اندیشی بر اساس آیات قرآن بوده است. **روش:** برای پاسخ به این سؤال که آیا می‌توان مبانی‌ای را برای کرسی‌های آزاد اندیشی بر اساس قرآن یافت و آیا این کتاب عزیز می‌تواند ملاک‌هایی را در این رابطه ارائه دهد یا نه؛ نخست، تعریفی روشن از کرسی آزاداندیشی بیان شده تا هم بتوان تمایز آن را از کرسی مناظره فهمید و هم مصادیقی را از قرآن که نزدیک به شرایط ذکر شده باشد، دریافت. سپس شاخصه‌های آن، که عبارتند از: مجموع عوامل مورد نیاز در یک کرسی آزاد اندیشی و رعایت شده در قضایای مطرح‌شده قرآن، بیان شده است. بدین منظور، آیات قرآن در این رابطه بررسی، نمونه‌های عملی آن مطالعه و از نظرات مفسران و اندیشمندان اسلامی نیز استفاده شد. **یافته‌ها:** با نگاهی عمیق‌تر نسبت به آیات قرآن، می‌توان با قضایای زیادی برخورد کرد که یا به شکل صریح به برگزاری یک فضای آزاد گفتگویی اشاره دارند یا مواردی اند که با تأمل بیشتر می‌توان متوجه آنها شد. **نتیجه‌گیری:** شاخصه‌های کرسی آزاد اندیشی عبارتند از: حاکمیت روح آزاد اندیشی و دوری از فشار و هیاهو، مستدل سخن گفتن، صبر و بردباری، توجه به افکار عمومی جامعه، برابری مجریان و داوران با دیگر افراد در بحث، پذیرش مبنا یا قدر مشترک در بحث، پرهیز از مرء و جدال و مشاجره، خارج نشدن از مرز عدالت. وجود این ویژگی‌ها، فضای کرسی را فضایی برای پیدایش حق خواهد کرد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، کرسی آزاد اندیشی، شاخصه‌ها.

دریافت مقاله: ۹۲/۰۲/۰۵؛ تصویب نهایی: ۹۲/۰۸/۱۳.

۱. دکترای علوم قرآنی؛ دانشیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دکترای فقه و حقوق؛ استادیار گروه فقه و حقوق دانشگاه حکیم سبزواری.

۳. دانشجوی دکتری معارف دانشگاه فردوسی مشهد و مربی گروه معارف دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) / آدرس: سبزواری، شهرک توحید، حکمت ۳۱.

## الف) مقدمه

کرسی آزاد اندیشی اصطلاحی است که در کشور ما به شکل رسمی مطرح شده است و در راستای تقویت و نهادینه‌سازی فضای عقلایی و نیز لزوم آزادی اندیشه و بیان استفاده می‌شود. اولین مفهومی که از این اصطلاح به ذهن متبادر می‌شود، اشاره به نوعی گفتگوی خاص است؛ اما از آنجا که این کرسی‌ها قرار است در یک کشور اسلامی و به عنوان نمادی از فرهنگ و تمدن در دانشگاه‌های اسلامی بهره‌برداری شود و از طرفی، به عنوان مسیری در جهت هدایت انسانها از آن استفاده شده، نیاز است الگوها و شاخصه‌هایی را از قرآن که به عنوان کتاب هدایت و زندگی ما مسلمانان است<sup>۱</sup>، به دست آوریم.

بنابر این، در این مقاله به دنبال یافتن شاخصه‌های دقیقی برای اجرای یک کرسی آزاد اندیشی از منظر قرآن حکیم به کمک روایات می‌باشیم که برای رسیدن به آن لازم است به دو سؤال پاسخ داده شود:

۱. چه تعریفی از کرسی آزاد اندیشی وجود دارد که مبنای ما در انطباق آن بر قضایای مختلف قرآن می‌باشد و به این وسیله از

مناظره متمایز می‌شود؟

۲. چه مصادیقی از این کرسی‌ها در قرآن وجود دارد؟

## ب) پیشینه و روش‌شناسی تحقیق

پس از جستجو و بررسی‌های زیاد در کتابها و مقالات مختلف راجع به این موضوع، با آثاری در فرهنگ‌نامه‌ها و دایره‌المعارفها در بررسی معانی آزادی، آزادی بیان و تفکر برخورد کرده و با مقالاتی راجع به اهمیت کرسی‌های آزاد اندیشی مواجه شدیم، اما اینکه شاخصه‌هایی با محوریت متون دینی به ویژه قرآن مطرح شود، در میان آثار انجام گرفته مشاهده نشد. بنابر این، لازم است آیات قرآن حکیم بررسی و به مصادیق آن در این مورد پرداخته شود و نمونه‌های عملی آن مورد مطالعه قرار گیرد که در این مورد، از نظرات مفسران و اندیشمندان اسلامی نیز می‌توان استفاده کرد.

## ج) تعریف کرسی آزاد اندیشی

با توجه به معنای لغوی<sup>۲</sup> و اصطلاحی<sup>۳</sup> لفظ آزاد و نیز آزادی اجتماعی<sup>۴</sup> به نظر می‌رسد معنایی که در آزاد اندیشی مطرح است، به آزادی معنوی بشر بیشتر نزدیک باشد؛ یعنی همان مفهومی از آزادی که پیامبران آمدند تا آن را حفظ کنند و نگذارند شرافت، عقلانیت و انسانیت انسان اسیر شهوات شود و این بر خلاف آزادی اجتماعی یا حتی بالاتر از آزادی بیان<sup>۵</sup> است و با وجود آنکه آزادی بیان از

---

۱. چرا که طبق آیات موجود، بالاترین و برترین هدایتها در آن است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (اسراء: ۹)؛ این قرآن، به راهی که استوارترین راههاست، هدایت می‌کند و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است.

۲. آزاد: رها و وارسته. (عمید، ۱۳۸۱: ۶۸)

۳. یعنی مانعی برای بروز استعدادهای کلی افراد بشر وجود نداشته باشد. (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۳؛ همو، بی تا: ۱۲)

۴. محبوس نکردن فردی و به کار نگرفتن قوای فکری و جسمی در منابع خودشان. (زکریایی، ۱۳۷۸: ۴۴)

۵. آزاد بودن آحاد رعیت در بیان مرادات خویش اعم از خواسته‌ها و انتقادها. (حسینی دشتی، ۱۳۸۵: ۵۱)

ضروریات حکومت اسلامی بر پایه عدل و ایمان است و در روایات دینی<sup>۱</sup> نیز بر آن تأکید شده، اما در واقع؛ فرد با آزاد اندیشی یاد می‌گیرد که چگونه بدون هیچ فشار و هیاهویی، آزادانه فکر کند و تصمیم بگیرد؛ چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «برای آزاد اندیشی باید از تعلقات دنیایی رها شد».(معادی‌خواه، ۱۳۷۲: ۲۵۱۶)

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید: «آزاد اندیشی یعنی آزادانه فکر کردن، تصمیم گرفتن، ترجمه‌ای و بر اثر تلقین دنبال بلندگوهای غرب حرکت نکردن»(۸۲/۸/۱۵). «از هیاهو و جنجال نترسیدن و به تشویق و تحریض این و آن نگاه نکردن»(۸۸/۸/۶). علاوه بر این، با توجه به معانی متعددی که برای واژه کرسی<sup>۲</sup> مطرح شده است، شاید مناسب‌ترین تعریف از کرسی آزاد اندیشی، گذشته از تعاریفی که برای این واژه شده(بی‌نام، بی‌تا: ۹۰)، «فضایی که در آن اظهار نظر علمی به دور از فشار و هیاهو و جنجال و تشویق و تحریض دیگران انجام می‌گیرد» باشد. البته وقتی چنین اظهار نظری در رابطه با امری به شکل نامتعارف یا حتی متعارف انجام می‌گیرد، به طور حتم ملازم با بحثها و گفتگوهای خواهد بود.

با تعریفی که بیان شد، متوجه می‌شویم که کرسی آزاد اندیشی هر چند در هدف می‌تواند با کرسی مناظره مشترک باشد و هر دو موجب آماده‌سازی جامعه برای تولید علم و ایجاد فضایی در جامعه همراه با عقلانیت شوند، چنان که در قرآن نیز مصادیقی از این دست بیان شده است،<sup>۳</sup> اما در مواردی نیز از کرسی مناظره متمایز می‌شود؛ زیرا کرسی‌های مناظره، مباحثه‌هایی منطقی فقط میان دو صاحب‌نظر است که دیدگاههای هم را در موضوعی خاص به چالش می‌کشند و افراد دیگر در آن فقط شنونده‌اند؛<sup>۴</sup> اما در کرسی آزاد اندیشی، افراد به صورت آزاد و به دور از فشار به گفتگوی عقلانی و منطقی در حضور دیگران می‌پردازند. بنابر این، در بیان مصادیق و تعریف شاخصه‌ها به دنبال مواردی هستیم که به معنای واقعی بتوان فضای آزاد علمی به دور از فشار را در آن یافت.

## (د) بیان مصادیقی از قرآن

شاید در نظر اول بیان چنین مصادیقی از قرآن، سخت به نظر برسد؛ اما واقعیت آن است که با نگاهی دوباره و با تأمل بیشتر نسبت به آیات قرآن، می‌توان شاهد فضایی بود که شاید نزدیک به تعریفی که بیان کردیم، باشد. این موارد را از یک بُعد، می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱. بعضی از این موارد به شکل صریح به برگزاری یک فضای آزاد گفتگویی اشاره دارد؛ از جمله در آیات ۲۷ تا ۴۵ سوره غافر که شاهد ایجاد یک گفتگوی آزاد هستیم. این گفتگو بر خلاف بسیاری از گفتگوهای قرآن، بین چند شخصیت ایجاد می‌شود که عبارتند از: حضرت موسی(ع)، مؤمن آل فرعون، فرعون و مشاورانش در مقابل دیدگان مردم؛ که می‌توان در آن، شرایطی را شبیه به

۱. امام صادق(ع) محیطی را که شأن آزادی بیان حاکم باشد، تبلور یک زندگی خوب و انسانی، پیاده کردن وظایف و دستورات دینی می‌شمرد.(کلینی، ۱۳۵۰، ج ۸: ۲۲۹؛ همو، ۱۳۸۵: ۵۴)

۲. آنچه بر آن می‌نشینند(صندلی) - شغل و مقام: کرسی وزارت، رشته تخصصی دانشگاهی - جایگاهی سکوماندند.(انوری، ۱۳۸۱: ذیل واژه کرسی)

۳. «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَاجُوا إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَأُمِيتُ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ تَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»(بقره: ۲۵۸)؛ آن کسی را که خدا به او پادشاهی ارزانی کرده بود، ندیدی که با ابراهیم درباره پروردگارش مواجه می‌کرد؟ آن گاه که ابراهیم گفت: پروردگار من زنده می‌کند و می‌میراند. او گفت: من نیز زنده می‌کنم و می‌میرانم. ابراهیم گفت: خدا خورشید را از مشرق برمی‌آورد تو آن را از مغرب برآور. آن کافر حیران شد؛ زیرا خدا ستمکاران را هدایت نمی‌کند(ترجمه آیتی، ۱۳۷۴). این آیه، داستان جالبی از جریان مناظره حضرت ابراهیم(ع) با نمرود بن کنعان را بیان می‌کند.

۴. چنان که در تعریف مناظره در آیین‌نامه تشکیل کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی آمده است: به هرگونه مباحثه رو در رو، روشمند و منطقی میان دو صاحب‌نظر، که به گونه نقادانه دیدگاهها و نظریات یکدیگر را درباره موضوعی خاص به چالش می‌کشند تا دیدگاه برتر محرز شود، گفته می‌شود و حسب مورد، بر اساس آیین‌نامه‌های تشکلهای اسلامی دانشگاهیان با هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی برگزار می‌شود.

یک کرسی آزاد اندیشی مشاهده کرد. در بخشی از این آیات، ماجرا چنین بیان شده است: زمانی که حضرت موسی (ع) مأمور بود، جامعه‌ای را براساس عدالت ایجاد کند، با مخالفت‌های زیادی مواجه شد؛ به طوری که فرعون برای جلوگیری از پیشرفت انقلابی او تصمیماتی می‌گیرد. او در جمع درباریان و مشاوران خود یا مردمی که آنجا بودند («یا قوم...» غافر: ۳۰) می‌گوید: بگذارید من موسی را بکشم، آن وقت او پروردگار خود را بخواند.<sup>۱</sup> سپس علت سخن خود را تباه شدن دین و دنیای آنها بیان می‌کند. حضرت موسی در این بین می‌فرماید: من پناه می‌برم به پروردگار خودم و شما از هر متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد (غافر: ۲۷). اینجاست که مؤمن آل فرعون که از نزدیکان فرعون بود و دعوت موسی را پذیرفته بود، ولی آشکار نمی‌کرد (طوسی، بی‌تا، ج ۹: ۷۹؛ حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۱: ۳۰۰) و سخنانش نشان از موحد بودن او داشتند (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۹: ۳۵۹)، از چند طریق نفوذ در فرعون و اطرافیان او وارد شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۸۴). وی ابتدا گفت: می‌خواهید کسی را به قتل برسانید که پروردگار او الله است! (غافر: ۲۹)؛ در حالی که او با خود دلایلی دارد که به نظر موجه می‌رسد. آیا معجزات او را ندیدید. سپس گفت: نیازی به کار شما نیست. اگر دروغگو باشد، رسوا می‌شود و اگر راستگو باشد و عذاب الهی به سراغ ما بیاید، کیست که ما را یاری کند؟

و بالاخره در اثر این گفتگوی مدلل و بیان معجزات بود که بنی اسرائیل به حضرت موسی ایمان آورده، از نیل گذشتند و فرعونیان هلاک شدند. خداوند متعال می‌فرماید: ما قطعاً فرستادگان خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، هم در زندگی دنیا و هم روزی که گواهان اعمال برای ادای شهادت به پا می‌خیزند، یاری می‌کنیم. (غافر: ۵۲)

از دیگر مواردی که شاهد یک گفتگوی آزاد هستیم، در داستان خلقت انسان (آیات ۲۹ تا ۳۴ سوره بقره)، گفتگوی بین خدا و ملائکه است، که هر کس به صراحت سخن خود را بیان می‌کند. یکی از مطالب اساسی مطرح در این سلسله آیات، خبر دادن پروردگار به فرشتگان راجع به خلافت و سرپرستی انسان در زمین و گفتگویی که آنها با خداوند داشته‌اند، است که نگرانی فرشتگان از فسادهای بشر و توضیح و توجیه خداوند و سجده آنان در برابر نخستین انسان را به دنبال دارد.

۲) در بعضی آیات، به صراحت به این موضوع اشاره ندارد ولی با کمی تأمل در آنها می‌توان به مضامینی دست یافت که به کرسی‌های آزاد اندیشی نزدیک است و آن مواردی است که خداوند از زبان افراد مختلف در قضایای گوناگون نظرات و دلایلی را مطرح، سپس پاسخی را نسبت به آن مطرح می‌کند که البته این بیان نظرات و گفتگوها شاید در یک زمان هم اتفاق نیفتاده باشد، اما به نحوی بیانگر فضایی است که نزدیک به فضای کرسی‌های آزاد اندیشی است؛ نظیر آیات ۴ تا ۱۱ سوره فرقان که در این آیات از زبان مشرکان و کافران، مطالب و دلایلی را راجع به عدم پذیرش قرآن و پیامبر بیان می‌فرماید<sup>۲</sup> و در اینجاست که هر کسی فکر و نظری را که راجع به این مطلب دارد و حتی در مواردی با عناد همراه است، بیان می‌کند.

۱. «وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ» (غافر: ۲۶). کلمه «ذرونی» نشان از مردمی بود که با کشتن موسی مخالفت می‌کردند. (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ج ۱: ۴۷۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴؛ همدانی، بی‌تا، ج ۱۷: ۴۹۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۷)

۲. «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكٌ افْتَرَاهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ قَوْمٌ آخَرُونَ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَ زُورًا» (۴) «وَقَالُوا أَأُتُوا بِالْحَقِّ وَالْأَوَّلِينَ آكْتَبْتَهَا فَيَهِىَ تَمْلَى عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلاً» (۵) «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً» (۶) «وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْ لَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ مَعَهُ نَذِيرًا» (۷) «أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَنْزِيلٌ لَّهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ الظَّالِمُونَ إِنَّ تَنْزِيلَهُ إِلَّا رَجُلٌ مَسْخُورًا» (۸) «انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلاً» (۹) «تَبَارَكَ الَّذِي أَنْشَأَ جَعَلٌ لَكَ خَيْرًا مِنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ فُصُورًا» (۱۰). در این آیات، مشرکان نسبت به سخنان پیامبر بیان می‌کنند: ۱. این فقط دروغی است که او ساخته و گروهی او را بر این کار یاری داده‌اند؛ ۲. این همان افسانه‌های پیشینیان است که وی آن را رونویس کرده و هر صبح و شام بر او املا می‌شود؛ ۳. چرا این رسول غذا می‌خورد؟ ۴. چرا در بازارها راه می‌رود؟ (نه سنت فرشتگان دارد و نه روش شاهان!) ۵. چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده که همراه وی مردم را انداز کند و گواه صدق دعوت او باشد؟ ۶. چرا گنجی از آسمان برای او فرستاده نشده است. ۷. چرا باغی نداشته باشد که از (میوه) آن بخورد و امرار معاش کند؟ و خداوند می‌فرماید: «بگو: کسی آن را نازل کرده است که اسرار آسمانها و زمین را می‌داند، او غفور و رحیم بوده، ببین چگونه برای تو مثل‌ها زدند و گمراه شدند، آن چنان که

شاید نظیر این قضیه را در جایی دیگر در قرآن نیز بتوان یافت و آن در جایی است که حضرت ابراهیم(ع) در مواجهه با ماه پرستان و خورشیدپرستان و ستاره پرستان قرار می گیرد و سپس قرآن پاسخ حضرت ابراهیم را نسبت به آنان بیان می کند.<sup>۱</sup>

## ه) شاخصه‌های برگزاری کرسی‌های آزاد اندیشی در قرآن

قبل از پرداختن به شاخصه‌ها، باید به دو نکته توجه کرد:

اولاً اینکه، گذشته از اهدافی که خداوند در آیات پیرامون این موضوع در قرآن دارد، مثل تقویت و ایجاد فضای عقلانی در جامعه و شنیدن و گفتن بهترین سخنان، خود برگزاری این نوع گفتگوها بسیار مهم است؛ چراکه تا این نشستها برگزار نشود، بسیاری از سخنان به صورت ناگفته در دل افراد باقی می ماند که نتیجه آن، ایجاد یک رشته آثار و پیامدهای غیر اخلاقی است؛ چنان که می بینیم حتی خداوند نه تنها این شیوه را برای بیان حقایق به کار می گیرد، بلکه آن را به همه مردم نیز اعلام می کند. بنابر این، ارزش برگزاری کرسی آزاداندیشی زمانی بسیار آشکار می شود که می بینیم خداوند آن را برای همه زمانها و استفاده همه افراد و جوامع نقل می کند و این یعنی نه تنها مردم آن زمان از آن بهره برده اند، بلکه همه افراد در تمام زمانها می توانند از آن بهره ببرند. بنابر این، امروز ما می توانیم از نکات آن، استفاده های زیادی بکنیم، که این خود تأثیر بسیار زیادی در برگزاری و ایجاد فضاهایی به این مناسبت دارد. چنان که از موانع برگزاری این کرسی ها همین عدم اعلام آن توسط رسانه ها به صورت جمعی است(خسروپناه، ۱۳۹۰). مقام معظم رهبری در سخنانی می فرماید: «شما کرسی آزادفکری سیاسی را، آزادفکری معرفتی را در همین دانشگاه تهران، دانشگاه شریف، دانشگاه امیر کبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق آنجا خودش را نمایان خواهد کرد».(بسیج نیوز، ۱۳۹۲)

ثانیاً، با توجه به تعاریفی که از کرسی آزاد اندیشی بیان شد، شاید گمان بر آن رود که همان مباحثه یا مجادله است؛ در حالی که چنین نیست. ممکن است در کرسی آزاد اندیشی، مباحثه یا مجادله اتفاق افتد، اما در واقع هیچ کدام از آنها نیست. بنابر این، نباید گمان بر این رود که همان شاخصه های مباحثه یا مجادله به اصطلاح عموم مردم می تواند به عنوان شاخصه های یک کرسی آزاد اندیشی مطرح شود؛ چرا که جلد در اصطلاح، فن احتجاج از طریق سؤال و جواب و وادار ساختن طرف به تناقض گویی و مغلوب کردن وی بوده است(عمید، ۱۳۸۱، ج ۱: ۹۸۸؛ معین، ۱۳۷۶، ج ۲: ۸۹-۱۵۸۸؛ آریابنور کاشانی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۵۹۲) و شاید به همین دلیل متفاوت بودن معنای جلد در منطق<sup>۲</sup> با قرآن است که خداوند متعال در قرآن اکثر استعمال این صیغه را در معنای منازعه و مخاصمه ناطق به کار برده است(قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۲۳-۲۲) و نیز می فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»(نحل: ۱۲۵)؛ ای رسول ما! خلق را با

---

قدرت پیدا کردن راه را ندارند! زوال ناپذیر و بزرگ است خدایی که اگر بخواهد برای تو بهتر از این می دهد، باغهایی که از زیر درختانش نهرها جاری باشد و اگر بخواهد برای تو قصرهایی مجلل قرار می دهد».

۱. «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (۷۵) فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَى كَوْكَبًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ (۷۶) فَلَمَّا رَأَى الْأَقْمَرَ بَارِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَيْنُ لَمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ (۷۷) فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسُ بَارِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ (۷۸) إِنِّي وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ (۷۹)»؛ اینچنین ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم، تا اهل یقین گردد. هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید ستاره ای مشاهده کرد گفت: این خدای من است؟ اما هنگامی که غروب کرد گفت غروب کنندگان را دوست ندارم و هنگامی که ماه را دید (که سینه افق را) می شکافد گفت این خدای من است؟ اما هنگامی که (آنهم) افول کرد گفت اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند مسلماً از جمعیت گمراهان خواهم بود. و هنگامی که خورشید را دید (که سینه افق را) می شکافت گفت این خدای من است؟ این (که از همه) بزرگتر است، اما هنگامی که غروب کرد گفت ای قوم! من از شریکهایی که شما (برای خدا) می سازید بیزارم. - من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمانها و زمین را آفریده من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم.(انعام)

۲. منازعه و دشمنی شدید و در سخنی لجاجت نمودن و ایجاد خصومت گفتاری است که بیشتر اوقات همراه است با به کار گرفتن حیللهایی که گاهگاهی دور از انصاف و عدل است.(مظفر، ۱۳۷۷: ۳۱۱)

حکمت و برهان و موعظه و نیکو به راه خدا دعوت کن و با بهترین طریق جدل نما. بنابر این، وقتی گفتگوهای پیامبران را با دیگران به جدال احسن تعبیر کنیم، شاهد شرایط ویژه و خاصی هستیم.

بعد از جستجو در آیات ناظر بر بحث، می‌توان از قضایای انجام گرفته و سخنان مطرح شده در قرآن، ویژگی‌هایی را مشاهده کرد که به نظر می‌رسد قوام یک کرسی آزاد اندیشی نیز می‌باشد. اما باید یادآور شد که مراد ما از شاخصه در اینجا، مجموع عوامل و مواردی است که برای برگزاری یک کرسی آزاد اندیشی با تعریفی که ذکر شد در قرآن رعایت شده است. بنابر این، بعضی از این موارد می‌تواند مثلاً در کرسی مناظره هم دیده شود، ولی چنان که گفته شد کرسی آزاد اندیشی با کرسی مناظره در عین اشتراک، تفاوت‌های خاص خود را دارد که البته این با بیان شاخصه‌ها در کرسی آزاد اندیشی منافاتی ندارد.

### ۱. حاکمیت روح آزاد اندیشی و دوری از فشار و هیاهو

از شاخصه‌های اصلی در ایجاد یک کرسی آزاد اندیشی با محوریت آیات قرآن، ایجاد فضایی دور از فشار و هیاهوست. البته این فشار می‌تواند از منظرهای مختلف مورد توجه قرار گیرد؛ یعنی گاهی فشار ممکن است فشار اجتماعی و گاهی بین‌المللی باشد؛ گاهی سیاسی یا حتی گاهی عقیدتی باشد. اما باید فضایی به دور از این فشارها وجود داشته باشد که برای اظهار نظرهای علمی و مستدل خود امنیت خاطر ایجاد کند. خداوند متعال در آیه ۶ سوره توبه می‌فرماید: «وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛ و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد به او پناه ده تا کلام خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)، سپس او را به محل امنش برسان؛ چرا که آنها گروهی ناآگاهند. یعنی در نهایت آرامش با او رفتار کن و مجال اندیشه و تفکر را به آنها بده تا آزادانه به بررسی محتوای دعوت تو بپردازند و در صورتی که نور هدایت بر دل آنها تابید، آن را بپذیرند.

خداوند متعال، خود به فرشتگان اجازه اعتراض بر برتری انسان بر سایر مخلوقات را می‌دهد (بقره: ۳۰) و اجازه ابراز نظرات را به مخالفان و پاسخگویی را به پیامبران بر اثبات ربوبیت و پذیرش یگانگی خدا می‌دهد و نیز در آیاتی به صراحت به این موضوع اشاره کرده، می‌فرماید: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹)؛ بگو این برنامه من است و این حقیقتی است از سوی پروردگارتان، هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد و این حقیقت را بپذیرا شود و هر کس می‌خواهد کافر گردد. نیز می‌فرماید: «قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ» (انعام: ۹۱)؛ تنها خدا را یاد کند و آنها را در اباطیل و لجاجت و بازیگری خود رها سازد؛ زیرا آنها جمعیتی هستند که کتاب الهی و آیات او را به بازی گرفته‌اند.

و نیز می‌فرماید: «فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتَ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (شوری: ۱۵)؛ تو نیز آنها را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما و از هوا و هوسهای آنان پیروی مکن و بگو: به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده ایمان آورده‌ام و مأمورم در میان شما عدالت کنم، خداوند پروردگار ما و شماست، نتیجه اعمال ما از آن ماست و نتیجه اعمال شما از آن شما، خصومت شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی او است.

آیات متعددی از قرآن کریم اعتقادات صریح پیامبر را در برابر کفار و مشرکان بیان می‌کند؛ چه آیاتی که به نحوی اخبار، سخنان و مواضع حضرت را بازگو می‌کنند و چه آنها که به سیاق دستوری نازل شده است (نظیر آیات ۳۰ و ۳۶ رعد و ۱ تا ۴ کافرون). بنابر این، به نظر می‌رسد این شاخصه از نظر قرآن، یکی از ارکان اساسی ایجاد فضایی برای یک آزاد اندیشی و اظهاراتی مبتنی بر آن باشد که می‌تواند در موضوعات مختلف محل بحث خود را باز نماید و فضا برای طرح آن ایجاد شود.

## ۲. مستدل سخن گفتن

یکی از عواملی که باعث می‌شود کرسی آزاد اندیشی مورد استقبال عموم مردم و مجامع علمی جامعه قرار گیرد، حول محور دلیل حرکت کردن و جلوگیری از سخنان بیهوده است و تنها به این وسیله است که حق آشکار می‌شود. در قضیه حضرت ابراهیم(ع)، هر کدام از طرفین دلیل خود را می‌آورد(انعام: ۷۹-۷۶). فرعون از سر ناتوانی در پاسخگویی، دستور ساخت برجی را به هامان می‌دهد تا خدای موسی را ببیند(غافر: ۳۸). ملائکه به دلیل منطقی سخن گفتن خداوند، سر تسلیم بر درگاه الهی فرود می‌آورند(بقره: ۳۳) و منطقی و مدلل سخن گفتن ائمه معصومین(ع) است که طرف مقابلشان همواره به این مسئله اعتراف می‌کردند، حتی اگر خصم بودند. چنان که روزی امام سجاد(ع) در منی، حسن بصری را که از دانشمندان بزرگ اسلام در قرن اول هجری بود و دستگاه بنی‌امیه از چهره مذهبی او برای توجیه جنایات خود استفاده فراوان می‌کرد، مشغول سخنرانی دیدند و با سؤال و جوابی که در حین صحبت از وی داشتند، طوری شد که دیگر نتوانست چیزی بگوید و اعتراف کرد که او از خاندان علم و دانش است و دیگر سخنرانی نکرد.(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰: ۱۴۶)

بنابر این، شیوه استدلالی سخن گفتن در قرآن منجر شده است که برخی از روشها و اصول استدلالی از قرآن استخراج شود؛ مثل استدلال از راه تعریف، از راه تجزیه(یعنی ذکر اجزای موضوع)، از راه تعمیم و سپس تخصیص، از راه علت و معلول، از راه مقابله و از راه تشبیه آوردن امثال.(ابوزهره، ۱۳۷۰: ۴۱۸؛ سیوطی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۱۰۵۷)

## ۳. صبر و بردباری

یکی دیگر از ویژگی‌های کرسی‌های آزاد اندیشی این است که اگر نظر مخالفی وجود داشته باشد، نه تنها سرکوب و مجازات نمی‌شود، بلکه با آغوش باز از آن استقبال می‌شود. در واقع؛ قوام کرسی‌های آزاد اندیشی به وجود نظرهای مخالف است. بنابر این، صاحب سخن حق باید از استقامت و بردباری برخوردار باشد. مؤمن آل فرعون به پنج طریق در مقابل فرعون استدلال می‌کند تا بتواند در او نفوذ کند و شاید به همین دلیل است که خداوند در پایان قضیه مؤمن آل فرعون، دعوت به صبر و شکیبایی می‌فرماید(غافر: ۵۵) و این روش تمام پیامبران در گفتگوهای خود با قومشان بوده است. کنراد در یکی از مقالاتش می‌نویسد: «اگر شما منتظر پیدایش یک آزاد اندیش راستین باشید، باید کمی هم انتظار تحمل داشته باشید»(کنراد، ۱۳۷۰: ۶۳). وجود صبر و بردباری در کرسی آزاداندیشی، در امور ذیل نمایان می‌شود:

**یک) داشتن ظرفیت تحمل مخالف:** چنانچه در یک کرسی، فردی که با آرای مخالف نظر خود مواجه می‌شود، صبر و تحمل نداشته باشد، حتی اگر سخن حق بگوید، تأثیر آن در طرف مقابل یا حتی مخاطبان وی بسیار کم یا حتی بی‌اثر خواهد بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ»(آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب! به سوی سخنی بیابید که میان ما و شما مشترک است. اینکه جز خداوند را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا ارباب نگیرند. پس اگر (از این پیشنهاد) سر باز زدند، بگویید: گواه باشید که ما مسلمان و تسلیم خداییم». بنابر این، خداوند به ایجاد بحث آزاد با اهل کتاب فرمان می‌دهد و در انتها می‌فرماید اگر به توافق نرسیدید، جنگ و دعوا راه نیندازید و فضا را متشنج نکنید. با آرامش بگویید که ما تسلیم خداییم.

**دو) جلوگیری از توهین به مقدسات یکدیگر:** در سخنانی که حضرت ابراهیم(ع) با عمومی خویش برای دعوت به خداپرستی دارد، لفظ «ابت» و تکرار آن در فواصل کوتاه یا حتی به کار بردن سؤالات به جای جملات امری، همه حاکی از نوعی ادب و احترام به ایشان است(مریم: ۴۴-۴۲). از این جهت که خداوند در آیه ۱۰۸ سوره انعام می‌فرماید: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ (معبود) کسانی را که غیر خدا را می‌خوانند دشنام

ندهید، مبدا آنها (نیز) از روی ظلم و جهل، خدا را دشنام دهند. این چنین برای هر امتی عملشان را زینت دادیم. سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و آنها را از آنچه عمل می کردند، آگاه می سازد (و پاداش و کیفر می دهد).

**سه) پرهیز از قطع کلام دیگران:** در حالات امام رضا(ع) است که: «ما رایت ابوالحسن الرضا(ع) قطع علی احد کلامه حتی یفرغ منه» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۲: ۱۸۴)؛ هرگز ندیدم قبل از پایان یافتن سخن کسی، امام رضا(ع) سخن او را قطع کنند.

**چهار) پرهیز از مسخره کردن:** خداوند متعال می فرماید: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ» (حجرات: ۱۱)؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همدیگر را مسخره نکنید. شاید آنان را که مسخره می کنید، از شما بهتر باشند.

**پنج) تخطئه نکردن دیگران:** متأسفانه بعضی برای حق جلوه دادن کار و سخن خود، دست به تخریب شخصیت دیگران و تخطئه آنان می زنند که بسیار زشت و دور از شأن انسان است. خداوند در قرآن می فرماید: «و الَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (حشر: ۱۰)؛ و کسانی که بعد از آنها آمدند، می گویند: پروردگارا! ما و برادران ما را که در ایمان بر ما پیشی گرفتند بیامرز و در دلها ایمان حسد و کینه ای نسبت به مؤمنان قرار مده، پروردگارا! تو مهربان و رحیمی.

#### ۴. توجه به افکار عمومی جامعه

به نظر می رسد از اموری که لازم است در شیوه اظهار نظر به کار گرفته شود، توجه به فضای بحث و افکار عمومی است. چنان که در گفتگویی که بین ابراهیم(ع) و ستاره پرستان و ماه پرستان و خورشید پرستان اتفاق افتاد، به این دلیل ایشان با آنها همراه شدند که در زمان ابراهیم(ع) ستاره پرستی رایج بوده و ستاره را در تدبیر هستی مؤثر می پنداشتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸: ۱۵۵؛ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷: ۲۴۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۲، ج ۵: ۳۱۲؛ جعفری، ۱۳۸۱، ج ۳: ۴۵۶؛ قزاقی، ۱۳۸۳، ج ۳: ۲۹) و نیز در همین راستا، به نظر می رسد توجه به موقعیت مکانی و زمانی هم لازم باشد؛ اینکه آیا الان جامعه ظرفیت پذیرش این مطلب را دارد یا نه و آیا لازم است ابتدا آمادگی ایجاد شود یا نه! مؤمن آل فرعون پس از فراهم شدن فضای لازم توسط حضرت موسی و دلایل روشن، آن سخنان را مطرح کرد؛ چنان که مراد از آیه ۲۳ سوره غافر نیز معجزات حضرت موسی(ع) است.<sup>۱</sup> (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۳۲۷)

حتی خداوند متعال در سخنی که به ملائکه در رابطه با سجده بر آدم(بقره: ۳۰) بیان می فرماید، فضای سخن را فراهم می آورد. در روایات آمده است که جسد آدم مدت ها بدون دمیدن روح خلق شده بود و ملائکه از او می گذشتند و می گفتند برای چه منظور آفریده شده ای: «فبقي اربعين سنة مُلقى تَمْرٌ به الملائكة فتقول لامرٍ ما خُلقت». (قطب راوندی، بی تا، ج ۲: ۴۴)

#### ۵. برابری مجریان و داوران با دیگر افراد در بحث

در یک کرسی آزاداندیشی تمام کار بر عهده افراد است، حتی جمع بندی آن. فضایی عاقلانه و معقول که توسط مجموعه کنترل و هدایت می شود تا قوانین رعایت شود. این مورد نیز از شاخصه های اصلی است که فقط در یک کرسی آزاد اندیشی می توان مشاهده کرد.

بنابر این، مجریان برگزاری، خود را بالاتر از دیگران ندانند. این ویژگی در قضایایی که به عنوان شاهد ذکر شد، به خوبی مشاهده می شود. در هر کدام از قضایا، مانند مواجهه حضرت ابراهیم(ع) با پرستندگان ماه و خورشید و ستاره یا مؤمن آل فرعون و حضرت

۱. «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُّبِينٍ»؛ ما موسی را با آیات خود و سلطان مبین فرستادیم.



موسی(ع) با فرعونیان یا خداوند متعال با ملائکه یا پیامبر اکرم(ص) با مخالفان نبوت ایشان، آنها خود نیز مانند سایرین به استدلال و بیان دلیل می‌پردازند و در کنار آنها سخن می‌گویند و این ما هستیم که از این سخنان نتیجه‌گیری می‌کنیم.

## ۶. پذیرش مبنا یا قدر مشترک در بحث

برای اینکه بخواهیم از فرصت‌سوزی در یک کرسی آزاد اندیشی بپرهیزیم، نیاز است ابتدا مشخص شود موضوع مورد بحث چیست و دقیقاً محل بحث کجاست. به همین خاطر است که خداوند در آیه ۶۴ سوره آل عمران می‌فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ»؛ بگو: ای اهل کتاب! بیاید به سوی سخنی که میان ما و شما مشترک است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را شریک او قرار ندهیم و بعضی از ما بعضی دیگر را غیر از خداوند یگانه به خدایی نپذیرد.

ائمه معصومین(علیهم‌السلام) نیز در چنین شرایطی اظهارات خود را در گفتگوها بیان می‌کردند؛ چنان‌که امام رضا(ع) در گفتگویی که با دانشمندان مختلف از جمله جاثلیق داشتند، وقتی جاثلیق اعتراض می‌کند که ما چه چیز مشترکی داریم که بحث کنیم؟ امام می‌فرماید: «از انجیل و تورات و عقاید صائبی خودتان با شما بحث خواهم کرد».(شیخ صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱: ۱۵۶)

## ۷. پرهیز از مرء و جدال و مشاجره

در تمام گفتگوهای مطرح در قرآن یا در روایات بین ائمه معصومین(ع) و سایر مردم، حتی در مقابل خصم، از جدال و مشاجره و مرء پرهیز شده است؛ زیرا هر سه مورد در قرآن و روایات ما نفی شده است.<sup>۱</sup> امام صادق(ع) می‌فرماید: «یا ابن‌النعمان ایاک و المرء فانه يحبط عملک»(ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۹)؛ از مرء کردن بپرهیزید؛ زیرا نتیجه‌اش این است که ارزش کار تو را از بین می‌برد.

خداوند در گفتگوی بین مؤمن آل فرعون و فرعون، بعد از روشن شدن حق، دیگر چیزی را مطرح نمی‌فرماید که این گفتگو ادامه یافته باشد، هر چند طرف مقابل نپذیرد و نیز رسول خدا(صض) می‌فرماید: «إِيَّاكُمْ وَ مُشَاجِرَةَ النَّاسِ فَإِنَّهَا تُظْهِرُ الْعُرَّةَ وَ تَدْفِنُ الْعُرَّةَ»(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۲: ۲۱۱)؛ از مشاجره کردن با مردم بپرهیز؛ زیرا مشاجره، کینه‌ها را افشا و عزت انسانی را از بین می‌برد. در هیچ جای قرآن نیست که گفتگویی مطرح شده باشد و هدفی در بیان حقی به دنبال نداشته باشد، حتی مردم با یکدیگر. امام صادق(ع) می‌فرماید: «ایاک و الجدال فانه يوقك»(ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۳۰۹)؛ از جدال کردن بپرهیز؛ زیرا تو را گرفتار می‌کند. بر همین اساس، در قرآن، جدال مقید شده است به جدال احسن: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُنْتَدِينَ»(نحل: ۱۲۵)؛ با حکمت و اندرز نیکو به سوی راه پروردگارت دعوت نما، و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن. پروردگار تو از هر کسی بهتر می‌داند چه کسانی از طریق او گمراه شده‌اند و چه کسانی هدایت یافته‌اند.

## ۸. خارج نشدن از مرز عدالت

بسیار اتفاق می‌افتد که در چنین بحثهایی، با وجود اینکه افراد مستدل سخن می‌گویند و به گمان خودشان سخن منطقی را مطرح می‌کنند، اما چون بر نظر خود اصرار دارند، عدل و عدالت را نادیده می‌گیرند و همین موجب خروج کرسی آزاد اندیشی به بحثی غیر مفید و بیهوده می‌شود. خداوند در آیه ۱۵ سوره شوری می‌فرماید: «فَلِدَلِكِ فَادْعُ وَ اسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَ قُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَ أُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَ رَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَ لَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حِجَّةَ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»؛ تو نیز آنها را به سوی این آیین واحد الهی دعوت کن و آن‌چنان که مأمور شده‌ای استقامت نما، و از هوا و هوسهای آنان پیروی مکن، و

۱. در تعریف مرء داریم که: «بحث و گفتگو است بعد از روشن شدن حق، ولی طرف مقابل نمی‌خواهد بپذیرد» و جدال: «گفتگو و بحث برای روشن شدن حق، ولی توأم با توهین» و مشاجره: «گفتگو برای چیزهای بی‌ارزش».(مرتضوی، ۱۳۷۵: ۱۴۰)

بگو: به هر کتابی که از سوی خدا نازل شده ایمان آورده‌ام، و مأمورم در میان شما عدالت کنم. خداوند پروردگار ما و شماست، نتیجه اعمال ما از آن ماست و نتیجه اعمال شما از آن شما. خصومت شخصی در میان ما نیست و خداوند ما و شما را در یک جا جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی او است.

## و) نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و تحقیقی که در معنای واژه «کرسی آزاد اندیشی» صورت گرفت، می‌توان آن را چنین تعریف کرد: فضایی است که در آن اظهار نظر علمی، دور از فشار و هیاهو و جنجال و تشویق و تحریض دیگران بیان می‌شود.

کرسی آزاد اندیشی هر چند در هدف می‌تواند با کرسی مناظره مشترک باشد؛ زیرا هر دو موجب آماده‌سازی جامعه برای تولید علم و ایجاد فضای همراه با عقلانیت در جامعه می‌شوند، اما در مواردی نیز از کرسی مناظره متمایز می‌شود؛ زیرا کرسی‌های مناظره، مباحثه‌هایی منطقی فقط میان دو صاحب‌نظر است که دیدگاه‌های هم را در موضوعی خاص به چالش می‌کشند و افراد دیگر در آن فقط شنونده‌اند، اما در کرسی آزاد اندیشی، افراد به صورت آزاد و دور از فشار و هیاهو، به گفتگوی عقلانی و منطقی در حضور دیگران می‌پردازند و در آن روح آزاد اندیشی حاکم بوده و مجریان و داوران با دیگر افراد در بحث برابرند.

با نگاهی عمیق‌تر در آیات قرآن می‌توان با قضایای زیادی برخورد کرد که نمایاننده چنین فضایی‌اند و آنها را می‌توان به دو بخش الف) مواردی که به صراحت به برگزاری یک فضای آزاد گفتگویی اشاره دارند؛ نظیر آیات ۲۷-۴۵-سوره غافر یا آیات ۲۹-۳۴-سوره بقره در داستان خلقت انسان و ب) مواردی که با تأمل بیشتر می‌توان متوجه آن شد؛ نظیر آیات ۵-۹-سوره فرقان یا آیات ۷۵-۷۹-سوره انعام.

با فحوص و بررسی آیات و احادیث، می‌توان شاخصه‌های ذیل را برای اجرای یک کرسی آزاداندیشی استخراج کرد: ۱. حاکمیت روح آزاد اندیشی و دوری از فشار و هیاهو، ۲. مستدل سخن گفتن، ۳. صبر و بردباری، ۴. توجه به افکار عمومی جامعه، ۵. برابری مجریان و داوران با دیگر افراد در بحث، ۶. پذیرش مینا یا قدر مشترک در بحث، ۷. پرهیز از مراء و جدال و مشاجره، ۸. خارج نشدن از مرز عدالت.

با توجه به ویژگی‌های مطرح شده، سبک کرسی مناسب‌تر و مدون‌تر است؛ چنانکه مقام معظم رهبری تأکید دارند که: فضای کرسی، فضایی برای پیدایش حق است.



## منابع

- قرآن کریم. ترجمه عبدالحمید آیتی (۱۳۷۴). تهران، سروش.
- نهج البلاغه.
- آریانپور، عباس و منوچهر کاشانی (۱۳۶۹). فرهنگ دانشگاهی انگلیسی-فارسی. تهران: چاپخانه سپهر، چ نهم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق). تحف العقول. تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابوزهره، محمد (۱۳۷۰). معجزه بزرگ (پژوهشی در علوم قرآنی). ترجمه محمود ذبیحی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس.
- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- بسیج‌نیوز (۱۳۹۰). «کرسی آزاد اندیشی فرصت است یا تهدید». بسیج‌نیوز، ۱۸ فروردین.
- بی‌نام (بی‌تا). «کرسی آزاد اندیشی و تفاوت آن با کرسی نظریه‌پردازی». مجله معارف، ش ۸۹.
- جعفری، یعقوب (۱۳۸۱). تفسیر کوثر. قم: هجرت.
- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۸۵). معارف و معاریف: دایره‌المعارف جامع اسلامی. تهران: آرایه.
- حسینی شاه عبدالعظیمی (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. [بی‌جا]: میقات.
- خسروپناه، غلامحسین (۱۳۹۰). «موانع کرسی‌های آزاد اندیشی در حوزه‌های علمیه». بولتن‌نیوز، پانزدهم آبان.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ ق). مفردات راغب. [بی‌جا]: دفتر نشر الکتاب، چ دوم.
- زکریایی، محمدعلی (۱۳۷۸). فرهنگ مطهر. تهران: آذریون.
- سیزواری نجفی، محمدبن حبیب‌الله (۱۴۱۹ ق). ارشاد الازدهان الی تفسیر القرآن. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۷ ق). الاتقان فی علوم القرآن. دمشق-بیروت: دار ابن کثیر.
- شیخ صدوق، (۱۳۸۷ ق). توحید صدوق. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- شیخ صدوق (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا (ع). تهران: جهان.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی بروجردی، آقا حسین و جمعی از نویسندگان (۱۴۲۹ ق). جامع الاحادیث شیعه (منابع فقه شیعه). تهران: فرهنگ سبز.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصرخسرو.
- طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- عمید، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیر کبیر.
- فلاح رفیع، علی (۱۳۸۰). «روند کرسی‌های آزاد اندیشی دانشگاهها». جهان‌نیوز، ۳۱ فروردین.
- فیض کاشانی، ملامحسن؛ تفسیر الصافی، انتشارات الصدر؛ تهران.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷). احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۶۴). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- قطب راوندی، سعید بن هبه‌الله (بی‌تا). منهاج البراعه. قم: کتابخانه آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.

- کلینی، محمد (۱۳۸۵). **اصول کافی**. تهران: قائم آل محمد (ص).
- کلینی، محمد (۱۳۵۰). **روضه کافی**. قم: علمیه اسلامیة.
- کنراد، گیورگی (۱۳۷۰). «**دعوت به آزاد اندیشی**». *کیهان فرهنگی*، ش ۷۹.
- گنابادی، سلطان محمد (۱۳۷۲). **بیان السعاده فی مقامات العبادہ**. ترجمه رضا خانی و حشمت‌الله ریاضی. تهران: پیام نور.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). **بحارالانوار**. بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ سوم.
- مرتضوی، سید محمد (۱۳۷۵). **اصول و روشها در نظام تربیتی اسلام**. [بی‌جا]: گلنشر.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). **جهاد**. تهران: صدرا.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا). **گفتارهای معنوی**. تهران: صدرا.
- مظفر، شیخ محمدرضا (۱۳۷۷). **منطق**. تهران: الهام.
- معادی‌خواه، عبدالمجید (۱۳۷۲). **فرهنگ آفتاب**. تهران: ذره.
- معین، محمد (۱۳۷۶). **فرهنگ فارسی**. تهران: امیرکبیر، چ یازدهم.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۲). **تفسیر نمونه**. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۸۹). **آیین‌نامه تشکیل کرسی‌های آزاد اندیشی در دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی**.

## ***Indicators of Free Thinking Tribunes From Holly Quran Point of View*** ♦

*Mortazavi , M.\**

*Khatami , J. \*\**

*Khatami , S. \*\*\**

***Objectives:*** *The present study aims at investigating the indicators of free thinking tribunes from the holy Quran point of view. **Method:** The method of the authors of the article is studying and investigating the holly verses of Quran which are related to free thinking and mentioned examples based on the ideas and opinions of scientists and interpreters of this field. **Results:** The results of the survey indicate the necessity of a deeper attention toward verses of the holly Quran and establishing a free atmosphere for free thinking tribunes in order to develop free thinking and conversations on different issues in universities. **Conclusion:** The author of the paper concludes free thinking indicators as follow: the sovereignty of free thinking atmosphere far from stress and uproar, logic arguments, patience, considering the civil opinions and society, the equality among executers and referees with other people engaging in arguments and dialogs, acceptance of a common base in arguments, avoiding amphiboly and controversy and polemic matters, justice.*

***Key words:*** *free thinking tribunes , indicators , holy Quran.*

---

♦ Received: 2013, Apr,25; Accepted: 2013, Nov, 04.

\* Associate Prof. at Theology Group of Mashhad Firdausi University  
/ Email: mortazavi-m@um.ac.ir

\*\* Assistant Prof. at Jurisprudence and Law Group of Hakim Sabzevari University; Ph.D. in Jurisprudence and Law / Email: Sj.khatami@yahoo.com

\*\*\* Corresponding author: Instructor at Theology Group of Hakim Sabzevari University; Ph.D. Student in Theology Teaching (Islamic Recourses) at Mashhad Firdausi University / Email: somaye.khatami@yahoo.com